

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

((نگاهی به اسطوره آفرینش زروان))

حمزه پویا

دانشجوی دکترای تخصصی فرهنگ و زبانهای ایرانی باستان

h.pouya.1191@gmail.com

چکیده:

باورها، اندیشه ها و اخلاق و رسوم هر ملتی در ادبیات آن ملت انعکاس می یابد. به طور قطع بررسی متون ادبی حماسی که جنبه ی اساطیری دارند، می تواند بسیاری از نقطه های تاریک گذشته را روشن نماید. از سوی دیگر بحث دین و اعتقادات از جمله بحث های مهم و چالش برانگیزی است که همواره محققین حوزه تاریخ، دین و عرفان با آن روبرو بوده و هستند. بررسی اندیشه های زروانیسم به عنوان یکی از آیین های قدیم ایران باستان، در متون حماسی فارسی می تواند فایده های بسیار مهمی در حوزه ادبیات، تاریخ، دین و عرفان داشته باشد. زروان، خدای زمان، از آیینهای رایج ایران باستان است که فلسفه و اندیشه های آن در متون فارسی به خصوص متنهای حماسی، بازتاب گستردهای یافته است. در این پژوهش با استفاده از تحلیل محتوایی، ابتدا زروانیسم و فلسفه آن به صورت مختصر، معرفی شده؛ سپس با بررسی متن نتیجه حاصل میگردد که چهره زروان در دو قالب زمان و سپهر به صورت گستردهای در این متن بازتاب داشته است. زمان در قالب زمان کرانمند و بیکران شامل شب و روز، سرنوشت و تقدیر و چهره سیاه و گریز ناپذیر مرگ رخ مینماید. سپهر نیز چهره خود را به صورت ستارگان و تأثیر آنان در سرنوشت و بخت آدمی، طالع بینی، ستاره شناسی و تقدیر جبرگرایانه، نمودار ساخته است.

کلید واژه ها: زروان، زمان، تقدیر، مرگ، جبر.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مقدمه

منش نیک (سپندمینیو) و منش بد (انگره مینیو) باهم بودند و بوسیله یک خداپیداشدند. همان خداوندی که زمان مطلق (زمان بی نهایت) و مکان مطلق (مکان بی نهایت) مظاهر اویند، اما در عصر هخامنشیان درباره حقیقت وجود این خداوند اندیشه های گوناگونی بوجود آمد، چنانکه بعضی او را همان مکان مطلق (ثوآش) و برخی او را زمان مطلق (زروان) دانستند. **یک** - اهورامزدا پیش از همه مخلوقات وجود داشت و نیز رسمیت یافت و چنین تصور شد که اورمزد در پایان دومین هزاره خلقت، زروان (زمان) را بیافرید.

دو - زروان اهورامزدا و اهریمن را بوجود آورد. خدای زروان دارای کیفیت ویژه ای بوده است. در منابع و ماخذ یونانی و سریانی از زروان مکرر نام برده شده است. قدرت زروان با گردش سماوی پیوستگی دارد. زروان گردش آسمان را تنظیم و اندازه گیری می کند و مقدم بر همه چیز، ایزد سرنوشت معرفی شده است. زروان بنا بر اساطیر باستان دارای مظاهر چهارگانه است. زروان مظهر و مفهوم بارداری، پیری، کهولت جهان، برگشت به عالم جاویدان. برابر با کودکی، جوانی، میانسالی و پیری. زروان مولود افکاری بوده که از بابل و یونان به ایران آمده تا از مذهب زردشتی رفع ثنویت شود. و به لحاظ مظاهر عینی، دارای تقدم زمانی و قدمت تاریخی است اما پیروانش در اعصار متاخرتری یاد شده اند. عمر جهان به روایت مولفان قدیم دوازده هزار سال تقسیم کرده اند و هزاره به نام یکی از بروج دوازده گانه نامگذاری شده است. در کتاب بندهشن آمده که هزاره سلطه ی بزغاله (جدی) فرارسید اورمزد زردشت را به پیامبری برگزید. در ادبیات زردشتی جهان به سه بخش تقسیم شده است: **یک** - جهان برین یا روشنی (عالم اورمزد). **دوم** - جهان تاریکی (عالم اهریمن). **سوم** - فضای تهی (خلاء). عاقبت اهریمن در همین فضای تهی که میان جهان تاریکی و روشنی است مغلوب اورمزد می شود و نابود می گردد. در اسطوره های زروانی و زردشتی با دونوع زمان مواجه ایم:

یک - زمان ازلی و ابدی که همان زمان بیکرانه (زروان اکرنه)

دوم - زمان در مقیاس دوازده هزار ساله دوره نزاع و جنگ اهریمن و اورمزد که به آن زمان درنگ خدای یا کرانه مند نیز گویند. در کتاب ملل و نحل شهرستانی آمده که اهورامزدا و اهریمن از مادر متولد شده اند، نه در شکم زروان. بنابراین دوجنسی بودن زروان تخیلی اسطوره ای است.

پرفسور آرسی زرنر می گوید: ((ثنویت مینیوی دواصل یا دو مینیوی خوبی (مقدس) و بدی یا اورمزد و اهریمن را در آغاز عالم می پذیرفت، وریشه اصل این نظر بصورتی شدید به دوران خود زردشت بازمی گردد و این اقدام و کمک اساسی او به فلسفه دین است.))

و همچنین زرنر ادامه می دهد: که مغ ها در آسیای صغیر مذهبی را گسترش دادند که از یک سو عقیده ی ارتدادی زردشتی و از سوی دیگر از بابل نشات می گرفت، از بابل فکر زمان را گرفتند که بعنوان خدای غالب نمایانگر افلاک (فلک) است و این

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

اصل را ما **(زروان)** می خوانیم. یک صورت از طریق فراخوانی یک الهه مادر یا از طریق خودش، دو خدا یعنی اورمزد و اهریمن (روشنی و تاریکی) یا خوبی و بدی را بوجود آورد.

و براساس صورت دوم زروان واجد دو عنصر نرینه (روشنائی) و مادینه (تاریکی) یا آتش و آب را به ذهن تداعی می کند. عقاید برخی گروههای دوگانه پرستی (ثنویت) با بعضی دیگر در اسطوره ها تداخل پیدا کرده است از این رو اسطوره های زروانی و زردشتی نیز با هم نزدیکی دارند و هر اسطوره ی جدیدی از اسطوره ی قدیم خود متاثر شده و یا شاخ و برگ بیشتر پیدا کرده است. زروان بعنوان زمان (و مکان) بی کرانه و مطلق خدایی است که حتی شناختش برای خدایان دیگر ممکن نیست و هیچ چیز از سیطره ی او خارج نیست. نوعی وحدت وجودی درودهای اساطیر هندوان خدایی به نام ((پرجاپتی)) وجود دارد که شباهتی فراوان با زروان ایرانی دارد. ((پرجاپتی) (praja-pati) به معنای خداوند آفرینش که نخستین بار در کتاب دهم ریگ ودا که واپسین بخش این اثر مربوط به پایان دوره ریگ ودائی هندی است، ظاهر می شود. نام او به شیوه ی خاص ادبیات کهن هند، بارها بصورت صفت، به خدایان دیگر نسبت داده شده است. و با این حال نام این خدا چهاربار بعنوان خدائی مشخص در کتاب دهم بکاررفته است. از او برای یاری بخشیدن در آوردن فرزندان بسیار و بعنوان خدائی که گاوان ماده را بارور می کند، یاد می شود. و او بعنوان آفریننده آسمان و زمین و آفریننده آبها و همه زیست کنندگان مورد ستایش قرار گرفته است.))

زروان

زروان در پهلوی: **zurvan**، دراوستا: **zrvan** به معنای زمان است. واژه زروان از اوستایی **zaurvan** به معنی پیری آمده است. این واژه از ریشه هندواروپایی **gere** به معنی بزرگسال شدن آمده و با واژه های آسی **zarond** به معنی پیرمرد، درسنسکریت از **jara** به معنی پیری، و در یونانی **geron** به معنی پیرمرد از یک ریشه است. اکنون باید واژه زروان در اصطلاح به معنی زمان (در حالت عام) و زمان بی کران دراوستا (**akaranazorvan**) در حالت خاص، نام خدایی که به باور فرقه ای از زردشتیان به نام ((زروانیان))، هرمزد و اهریمن از او زاده شدند. زروان در اوستا از ایزدان کم اهمیت است ولی در اواخر دوران ساسانیان جایگاهی بسیار بلند پایه یافته بود. و زروان به معنی قضا و قدر هم به کاررفته است. یکی از مذاهب رایج در ایران پیش از اسلام آیین زروانی بود که از جمله فرق و مذاهب مزدیسنی محسوب می گردد. در این مذهب، زروان که خدای زمان است، بعنوان خدای برین پرستش شده و با القاب ((زمانه بیکران)) و ((زمان درنگ خدای)) از آن نام برده اند. در این مذهب زروانی عقیده بر این است که زروان پدر آهرمزد و اهریمن است و این دو منبع خیر و شر بصورت دو گوهر متضاد و مستقل عمل می کنند. در اصل دو برادر همزاد و توأمان هستند که از ((زروان)) زاده شده اند.

هرچه آهرمزد می آفریند نیک و خیر است و در مقابل هر خلقت اهریمن دست به خلقتی پلید و ناپسند می زند، و جهان و گیتی بر اثر نبرد و تقابل این دو (آهرمزد و اهریمن) تکوین می یابد در طول نه هزار سال که دوران گمیش و اختلاط خیر و شر در این عالم هستی است اهریمن بر سراسر گیتی فرمانرواست و تمام تلاش و کوشش خود را برای نابودی خلقت آهرمزد بکار می برد. اما سرانجام پس از نه هزار سال آهرمزد نیروهایش را به کمک مومنان براهریمن و یارانش غلبه می یابد و به

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

کلی آنرا نابود و فرمانروایی جهان را بدست می گیرد. پس جاودانگی تنها به آهرمزد و مخلوقات آهرمزدی تعلق دارد و اهریمن و مخلوقاتش محکوم به نابودی و تباهی اند. در برخی از رسالات زروانی برای تفوق آهرمزد بر اهریمن به دوران دوازده هزارساله اشاره شده است، و این دوران به چهار دوره سه هزارساله تقسیم می شود. در سه هزارسال نخستین آهرمزد خلقت مینوی خود را انجام می دهد و در سه هزارسال دوم، خلقت از حالت مینوی به مادی و گیجانی درمی آید و در سه هزار سال سوم اهریمن به آفرینش هرمزدی هجوم برده با تمامی مخلوقات و موجودات آهرمزدی در می آمیزد و به کمک دیوان و دیوزادگان آنها آنها را آزار داده همه چیز را می آلود. در آخر در سه هزار سال چهارم (پایانی) برای بازداشتن اهریمن از فرمانروایی بر جهان خلقت و محدود کردن قدرت و سلطه ی وی نجات مخلوقات آهورایی زردشت و سه موعود زردشتی ظهور می کند. در آغاز هزاره اول از دوره سه هزارسال پایانی زردشت ظهور کرده و مردم را با حقایق آشنا می کند و آنها را به دین خویش دعوت کرده و به راه راست هدایت می کند. در پایان این هزاره، او شیدر نخستین موعود زردشتی ظهور کرده و دین بهی را پس از هزار سال به ضعف و سستی گراییده دو باره تقویت می کند و اصول دین را به مردم یادآوری می کند، هزاره دوم با ظهور او شیدرماه دومین موعود زردشتی آغاز می شود. در پایان هزاره سوم که آخر زمان دوازده هزارساله است آخرین موعود زردشتی ((سوشیانت)) ظهور کرده به مدت ۵۷ سال مقدمات لازم برای رستاخیز فراهم می آورد و در این هنگام است که اهریمن برای همیشه شکست خورده نابود می گردد. ((چیرگی اورمزد بر اهریمن جاودانگی او تباهی و نابودی اهریمن پس از دوازده هزارسال میسر می شود و این مهلت را ((زمان)) به اورمزد ارزانی داشته است. اورمزد را همانند گویی آفریده و البرز کوه را در میان جهان ساخته است. بخشی از نوشته ای که حاوی جهان بینی خاص زروانی است عیناً از کتاب روایات داراب هرمزد یار جلد دوم صص ۶۲-۶۶ نقل شده است: ((دیگر بدانند در آفرینش جهان و اختران و گردش افلاک و روشنی و تاریکی و نیکویی و بدی که در جهان پدید است... جهان را آفریده گویند و پیداست که جز از زمان دیگر همه آفریده است و آفریدگار زمان را هم گویند زمانه. زمانه را کناره پدید نیست و بالا پدید نیست و بن پدید نیست و همیشه بوده است و همیشه باشد... هر چه به مردم رسد از سبب هفت کوب و دوازده برج می رسد چون اورمزد با اهریمن پیمان کرد.)) زمان دقیق پیدایش و تکوین مذهب زروانی به خوبی مشخص نیست. برخی از محققان معتقدند که در دوره ساسانیان در میان زردشتیان مغرب ایران و تحت تاثیر عقاید نجومی و فلکی و همجواری با بین النهرین اعتقاد به زروان و زمان رواج یافت و همین خود گواه بر قدرت اعتقاد به زروان است. بنابراین ((زرون)) نام یکی از ایزدان ایران باستان است و در کتاب اوستا با صفت ((اکران)) یعنی بی کران آمده است.

زمان در باور ایران باستان

در باور آریایی دو نوع زمان وجود دارد: کرانمند و بیکران. زمان کرانمند همان چیزی است که ریشه های بابلی دارد و در مورد سالهای کیهانی تکرار شونده است. هر چند که ایرانیان معتقد بودند زرتشت برای نخستین بار جهان را پایان پذیر دانست و زمان بیکران که پنداشته می شد به دلیل بیکرانه بودن برای هیچ کس حتی خدایان قابل شناختن نیست. آنها زمان کرانمند را زاده زمان بیکرانه می دانستند. شکل گیری زروان گرایی ریشه در یسن ۳۰ بند ۳ داشت که در آن زرتشت از سپنتا مینو و انگره مینو سخن می گوید. زروانیان با تکیه به این بخش گاتها که نیکی و بدی را دو گوهر همزاد خوانده آن

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

دو را دو برادر دو قلو دانستند. ولی آنچه باعث شد این اندیشه در میان مردمان گذشته جای باز کند مباحثی بود که برایشان بسیار ملموس می نمود. از جمله آن زمان یا روزگار، سپیدی روز و سیاهی شب، زندگی و مرگ، برنایی و پیری، تندرستی و بیماری و بود. این جنبه ها در عین سادگی بسیار پیچیده بودند. زمان قدرتمندی بود که هر جوانی را پیر می کرد، هر تندرستی را لباس بیماری می پوشانید و هر زنده ای را می کشت. زمان پرده ای بود که آن سویس ناشناخته مانده بود. طبق یسن ۳۰ بند ۳ نیکی و بدی که سمبل اهورامزدا و اهریمن (در باور آنها) بودند دو برادر دو قلو در نظر گرفته شدند که باید دارای پدری باشند. زمان قدرتمند تنها پدر ممکن برای آنها بود. این اندیشه شاید در اصل روشنفکرانه جلوه می کرد، ولی به صورت بدعتی تمام بالید. بدعتی که زروان را تنها صاحب قدرت می دید و اسطوره هایی پیرامون آن به وجود می آورد. در واقع زروانیان می خواستند برای آفرینش اهریمن فلسفه و راه حلی پیدا کنند و پروردگار را که با صفت مهربانی از او یاد می شد منشا و مصدر شر و فساد ندانند. پس آنچه در گاتها به عنوان انگره مینو (یکی از دو گوهر همزاد که ازلی و ابدی است) آمده را به زروان نسبت دادند. آنها سرشت زروان را جاودانگی و بیکرانگی (با الهام از اوستا) می دیدند و همه، آفرینش، رادراومیدانستند. مانند تمامی باورهای آریاییان زروان نیز دارای اسطوره هایی است. این اسطوره ها بعد ها باعث طعن و خرده گرفتن یکتاپرستان شد.

ولی مسعودی در باب این اسطوره ها می گوید: «چنین افکاری مورد قبول عوام بود، موبدان جملگی آن ها را انکار می کنند». جمع بندی اسطوره ها بدین گونه است: زروان خود بزرگترین آفریده نور بود! او نه هزار سال به نیایش (در برابر نور؟) پرداخت تا او را فرزندی آید. کسی که آسمانها و زمین را بیافریند. پس از نه هزار سال او را فرزندی حاصل نشد. پس شک آورد که شاید جهان هیچ است (بیهوده تلاش کرده ام) از این شک اهریمن در زهدان (روشن نیست که زهدان کدام مادر ولی از نوشته ها بر می آید، او با اینکه پدر بود خود نیز آبستن شده است) شکل گرفت. همین دم هرمزد نیز به زهدان در آمد. هرمزد نشانه آرزو و اهریمن نشانه شک او بود.

زروان چون آگاهی یافت سوگند خورد که هر کدام زودتر بیرون آیند جهانداری بدو بسپارم. چون هرمزد نزدیکتر به دهانه زهدان بود پس از آگاهی از رای پدر برادر را آگاه ساخت. اهریمن حيله ای اندیشید و زهدان را درید و بیرون آمد. اهریمن زشت و سیاه و بدبو و گند (چرکین) بود به گونه ای که پدر خویش را ترساند و این فرزند مورد پسند واقع نشد. در همین هنگام هرمزد بیرون آمد که از وی زیبایی و نور و بوی خوش می آمد. زروان دریافت که او پسر آرمانی اش است ولی چون سوگند خورده بود ناچار شد جهانداری را به اهریمن سپارد. پس به اهریمن گفت: «جهان را به تو سپردم تا ۹ هزار سال فرمانروایی کنی ولی هرمزد را چنان زادم که بر تو چیرگی یابد». سپس برسم را که نشان موبدی در جهان بود به هرمزد داد و گفت: «تا کنون من برای آمدن تو نیایش کرده ام و زین پس تو باید برای من نیایش کنی». این ماجرا آغاز جنگ میان نیکی و بدی بود. ولی این جنگ برخلاف ثنویت دوگانه نبود. بلکه تثلیث بود. هر چند خود زروان را موجودی چهار بعدی می انگاشتند. سه بعد از وجود او تنها در منابع سریانی باقی مانده اند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

عدد چهار در زروان گرایی

چهار بعد عبارتند از: زروان، اشو کار، فرشو کار و زروکار (زمان، آفریننده، تازه کننده و پیرکننده یا میراننده) این جنبه ها با مرگ، زندگی، بیماری و تندرستی قابل انطباقند. به همین علت عدد چهار در زروان گرایی اهمیت یافت و سه بعد زروان بعد ها به صورت ایزدانی ایرانی در آمدند. عده ای از تاریخ دانان زروان را به قدمتی بسیار دور (پیش از زرتشت) بر می گردانند و معتقدند زروان در زمانی دین توده ای از مردم بوده. عده ای دیگر هم با توجه به متون جسته و گریخته پهلوی تاریخ زروان را تا زمان ساسانیان جلو می آورند. ولی دسته سوم نخست به تفاوت های بین مغ و موبد می پردازند و تاریخ زروان را به مغ ها یعنی زمان کوروش بزرگ نسبت می دهند. آن ها مغ ها را نه آریایی و نه سامی می دانند. بلکه آنها را قومی بومی ساکن بین النهرین می انگارند. اگر واقعا این سخن را بپذیریم و قبول کنیم مغ ها زمان کوروش بزرگ از بین النهرین به ایران کوچ کرده اند شگفت آور نیست که تحت تاثیر افکار بابلی قرار گرفته باشند. آنها در بابل با روحانیون کلدانی محشور گشته و از آنها بسیار چیزها از جمله ستاره شناسی فرا گرفتند و این تمایل در آنها پیدا شد تا زمان را اصل و اساس نخستین بیندارند. مغ ها این عقاید و اطلاعات را با خود از غرب به این منطقه آوردند و به آنها رنگ و بویی بومی بخشیدند. مغ ها با استفاده از دو اندیشه بابلی و ارتداد زرتشتی آیینی به وجود آوردند که به شدت به اسطوره ها به خصوص درنگ خدایی معتقد بود.

این اعتقاد شاید جنبه سود دهی برای ایشان نیز داشت (شبیبه کاوی ها و کرپن ها در گاتها). چرا که جهان را در دست اهریمن می دیدند و بدی را توجیه می کردند. در مینوی خرد در باره درنگ خدایی آمده است: «چه کاره جهان از بهره (بخت) و زمان و وزر (حکم و فرمان) این رود که خود هست (خود پاینده است) زروان پادشاه درنگ خدای». زروان راهی نیز برای تاملات فلسفی در باب قدرت و زمان و از این رهگذر درباره تقدیر گشود. زروان تقدیر را جلوه گر کرد و اصل آزادی و اختیار را که زرتشت به روشنی از آن سخن گفته بود زیر سوال برد. در رساله علمای اسلامی به روش دیگر «نویسنده ای ناشناس که پیداست زروانی بوده به دانشمندان اسلام در مورد دین زرتشتی چنین پاسخ می دهد: «در دین زرتشت چنین پیداست که خدا جز از زمان دیگر همه را آفریده است، این آفریدگار از زمان است و زمان را کرا نه پیدا نیست و بن نیست».

اسطوره زایش اورمزد و اهریمن

این اسطوره بطور خلاصه بدین گونه است که زروان هزار سال در آرزوی فرزند به قربانی ایستاد. (باید توجه شود که در باورهای اسطوره های ایران این نفس عمل قربانی است که خاصیت دارد) پس از هزار سال شکی به وجود او افتاد. بر اثر قربانیها هرمزد و بر اثر آن شک اهریمن در زهدان او پدید آمد. زروان که دانست هرمزد به دهانه زهدان نزدیکتر است قصد کرد که پادشاهی را به فرزندش که نخست زاده شود بسپارد. هرمزد بنا به سرشتش (آگاهی مطلق) از این تصمیم مطلع شد و برادر خود را نیز آگاه نمود. اهریمن تلاش کرد که نخست از زهدان بیرون بیاید ولی چون هرمزد به خروجی نزدیکتر بود موفق نشد پس شکم را درید و از آن طریق بیرون آمد. زروان به اهریمن گفت که فرزند من نیک و خوشبو است ولی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تو پلید و بدبو هستی. پس آنگاه هرمزد نیک و آراسته و خوشبو به جهان آمد. زروان بنا به عهدی که کرده بود به ناچار پادشاهی جهان را به مدت نه هزار سال به اهریمن سپرد. ولی پادشاهی مطلق جهان پسین به هرمزد خواهد رسید و هرمزد در نهایت بر اهریمن چیره خواهد شد. پس زروان به هرمزد دستهای برسم داد. بنابراین او را به ایران باستان آفرینش جهان مادی در محدوده دوازده هزار ساله اساطیری انجام می‌گیرد. این دوازده هزار سال به چهار دوره سه هزار ساله تقسیم می‌شود. در دوران نخستین، عالم مینوی و دوران های بعد مینوی و گیتی (وجوه مادی و جسمانی) است. در سه هزار سال اول که جهان مینوی است و هنوز نه مکان و نه زمان هست و جهان فارغ از ماده و حرکت است، از دو ((هستی)) سخن به میان می‌آید که یکی جهان متعلق به اورمزد که پراز نور، زندگی، دانایی، زیبایی، خوشبویی، شادی و تندرستی است و دیگری جهان متعلق به اهریمن که تاریک است و زشت و مظهر نابودی و بدبویی و بیماری و غم و هرچه ذهن می‌تواند در مورد دنیای بدی اندیشید. محققین و خصوصاً متون کهن ریشه این اندیشه را که باعث به وجود آمدن دو همزاد (اورمزد و اهریمن) می‌شود در اسطوره زروان می‌دانند که به باور زروانی معروف گردیده است. زروان در نوشته های پهلوی خدای زمان است، اما بنابراین زروانی، زروان خدایی است که در زمانی که هیچ چیز وجود ندارد نیایشهایی به جای می‌آورد تا پسری با ویژگیهای آرمانی اورمزد داشته باشد که جهان را بیافریند. در پایان هزار سال زروان در اینکه این نیایش به ثمر برسد شک می‌کند و در همان هنگام نطفه اورمزد و اهریمن در بطن او بسته می‌شود. اورمزد ثمره نیایش و صبر او و اهریمن میوه شک او است. زروان در وندیداد سازنده راهی که به پل چینود منتهی می‌شود. و در قدیمترین بخش اوستا سرودهای گاهانی آن هم دو گوهر هم توان نیک و بد که از جدال وهم آویزی آنها جهان هستی تکوین یافته همزادان خود را و مستقل وصف شده اند. برخی ایرانشناسان همچون کریستین سن معتقدند که از اواخر هخامنشیان در دیانت زردشتی شایع در غرب ایران این اعتقاد کلی ((زروان)) رواج یافته بود، که اهوره مزدا و اهریمن دو برادر همزاد و فرزندان ((زمانه ی بی کرانه)) ((زروان)) هستند. اگر اعتقاد به زروان بعنوان یکی از مذاهب باستانی بوده باید در زمان ساسانیان این آیین بعنوان یکی از فرق دین زردشتی دوباره در غرب ایران رواج و رونق گرفته و در میان آرای مذهبی ایرانیان پیش از اسلام نفوذ فراوانی یافته است. این رواج و رونق زروان در زمان ساسانیان در قرن بیستم بر اثر کشفیات در ناحیه تورفان صورت گرفت، آشکار و روشن شد.

رواج زروانیسم

در دوران ساسانیان از طریق آثارمانی آشکار شد و بدین گونه که مانی، خدای بزرگ را که همان ((پدر عظمت)) است زروان نامیده است. مانی در زمان ساسانیان به دعوی پیامبری برخاست و چون می‌خواست گفتار خود را با اعتقاد زردشتیان زمان خویش موافق سازد و زمینه ی ذهنی این مردمان را برای پذیرش دین خود آماده تر کند، از کلمه ((زروان)) که در نزد آنان شناخته شده و به عنوان اصل اقدم و برتر از اهورامزدا و اهریمن پذیرفته شده بود، استفاده کرد و ((پدر عظمت)) را که در دین او خدای بزرگ است ((زروان)) نامید. از تطابق نام ایزدان این دو مذهب، دانشمندان چنین استنباط می‌کنند که برترین خدایان در مذهب رایج ساسانیان زروان بوده است نه اهوره مزدا. در آیین مانی ((هرمزد)) نام یکی از ایزدان درجه دوم یعنی ((انسان نخستین)) است که توسط ((زروان)) و از طریق مادر زندگان به حیات خوانده می‌شود و در حقیقت پسر زروان محسوب می‌گردد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

یکی از مهمترین اصولی که در مذهب زروانی با آیین زردشتی آشکارا اختلاف دارد مساله جبر و اختیار است. در واقع شخص با اختیار و انتخاب خیر و شر وارد صحنه ی نبرد و مبارزه ی جهانی اورمزدا و انگره مینیو می شود و هر لحظه از زندگانی او بخشی از کارزار این دو مصدر (اورمزد و انگره مینیو) است. از اینرو دیانت زردشتی انتخاب و گزینش راه از اهمیت ویژه ای برخوردار است و با اینکه امری فردی و شخصی بنظر می رسد در نهایت با عالم و نظام عالم ارتباط می یابد. با این وجود که در آیین زروانی بیشتر نشانه های اعتقاد به جبر آشکار می شود. زیرا زمانه بیکرانه دوره قدمت و فرمانروایی اهریمن را تعیین و تحدید کرده است و در مدت نه هزار سال که دوران گمیش و اختلاط آفرینش اهرمزدی و اهریمنی است فرمانروایی و سلطه از آن اهریمن است همچنانکه زمان آنرا در تقدیر نهاده پس از نه هزار سال نابود و اهرمزد فرمانروای جاودان می شود. اعتقادات زروانی می توانست از دو جهت برای دیانت مزدیسنی زیان آور و خطرناک می باشد: نخست اینکه در میان معتقدان بدین مذهب، زروان تنها به معنی ((زمان مطلق)) نبود بلکه مفهوم ((قدر)) و ((سرنوشت)) نیز داشت و بنا بر کتاب مینوی خرد ((همه کارهای جهان به قضا و زمان و مشیت عالیه ی زروان که وجودش قائم بذات و فرمانرواییش طولانی است باز بسته است.)) بدین خاطر فلسفه زروانی موجب رواج عقیده جبری شدیدی شده بود که موجبات ضعف ایمان در میان مزدیسنان را فراهم می آورد. دیگر این که وجود اساطیر ابتدائی در این مذهب به نحوی که مولفان عیسوی مذهب بدان اشاره کرده اند بصورت ابزاری و حربی ی سختی در دست علمای مسیحی و مسلمان برای نشان دادن بطلان این دین رد و طرد آن قرار گرفته بود. نظریه فلسفی زروانی بر مبنای جبر و قضا و قدر است، که واکنشی دیگر بود در برابر نظریه ی دین زردشت که بر اساس آزادی اراده و اختیار است. اندیشه جبری زروان پرستی در دوران اسلامی باقی ماند و گروه ((دهریون)) که زمان را ازلی و ابدی می دانستند و برای دهر یا روزگار قدرت قائل بودند تحت تاثیر افکار زروان پرستان بودند. زروانیه، پیروان آیین زروان هستند نام ایزد یا خدای زروان (زمان) در پاره ای از بخش های اوستائی موجود که در آنها اسامی ایزدان دیگر نیز آمده است بچشم می خورد. از دو گوهر اولیه که خدایان همزاد نامیده شده اند و معرف خیر و شر در اندیشه و گفتار و کردارند سخن به میان آمده گرچه پیدائی و منشا آنها پذیرفته شده است، اما از اصل آنها خبری نیست. اندیشه و تفکر زروان بعنوان پدراورمزد و انگره مینیو در قدیمترین دوران عهد زردشتی وجود داشته است. زروان اکرن، زمان بی کرانه است که او را گاه کرونوس ساکولوم یا کیوان (زحل) می نامیدند، این نامگذاری وضعی بوده زیرا غیر قابل و صوف بی نام تصور می شد. تندیس وجود زروان را معمولاً به تقلید یکی از نمونه های نخستین موجودات در نزد ملل شرقی با سرشیر و جسمی که ماری دور آن را فرا گرفته مجسم می کردند و تعداد اشیایی که هنگام تجسم به آن اضافه می کردند، معرف اینکه صفات و سجایای آن هنوز مشخص و محدود شده بود. در قطعات مانویان ایران غربی و سغدی و اوغوری مربوط به قرن سوم میلادی، زروان بعنوان نخستین خالق آفریدگان شناخته شده است. زمانی که نه آسمان نه زمین و نه آفریدگان هیچ یک وجود نداشتند تنها موجودی به نام زروان (خدا) بود که هزار سال قربانی و فدیة داد تا صاحب فرزندی شود اما بعد از هزار سال شک و تردیدی در دلش آمد که نتیجه آن آفریده ای به نام اهریمن و حاصل آرزویش اورمزد شد. او با خو عهد کرد هر کدام از آنها زودتر دنیا آمدند فرمانروایی جهان را بدو دهد اورمزد که با خرد و دانا بود به راز پدر پی برد و برادرش اهریمن را از موضوع با خبر کرد و اهریمن چون ذات پلیدی داشت و اورمزد را نزدیک به

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

دهانه زهدان دید برای بیرون آمدن شکم پدر را درید و به نزد پدر آمد و خود را به پدر معرفی کرد و پدر از دیدن پلیدی وزشتی او جا خورد و گفت فرزند من اینگونه نیست و او روشن و پاک است در همین اوان او رمزد پیش پدر آمد و زروان خوشحال شد اما اهریمن عهد را بیادش آورد و زروان به ناچار فرمانروایی جهان را به مدت نه هزار سال بدو داد و او رمزد را گفت که آفرینش زمین و آسمان را انجام ده و موجودات خوبی و مینوی ات را خلقت کن که پس از نه هزار سال در دوره ای سه هزار ساله به نبرد اهریمن می روی و او را نابود می کنی و برای همیشه قدرت و فرمانروایی جهان را بدست می گیری. پلوتارک مورخ یونانی درباره آیین زروانی می نویسد: (که آفرینش بر پایه ی اندیشه ی زروانی، در اثر کارکرد دو نیرو یکی ایزد و دو دیگر دئو بوجود آمده است.) یکی از مختصات اصلی زروان، جنبه عدالتخواهی اوست. از این جهت شباهت زیادی به ایزد وای دارد. خدای زروان و خدای وای در نظام دوگانه پرست بیگانه به شمار می رفتند. و هر دو خدا بالاتراز نیک و بد قرارداد داشتند. مزدپرستان برای ایزد وای دو جنبه داشتند: جنبه نیک و جنبه بد. در کتاب دینکرد: ((زمان به آفرینش اهورامزدا و اهریمن متعلق و مربوط است و زمان بعنوان جاودانگی و ابدیت اشاره شده است. کریستین سن در مورد اندیشه های زروانی بطور کلی در ادبیات مقدس پهلوی که پس از دوره ساسانیان بوجود آمده محل و مورد معنی ندارد. در آیین زردشتی اینگونه است که همه چیز غیر از زمان مخلوق (آفریده) است و خالق آنها زمان (زروان) است. از مطالعاتش این چنین نتیجه گرفته که آیین زروانی در تاریخ مزدیسنی به منزله امری گذرنده و غیر ثابت نبود، بلکه یکی از مبانی اولیه تفکر زردشتی را بوجود آورد.

یکی از تحولات در اعتقاد به زروان می توان از عقیده دال بر تکامل مادیرایانه ی جهان که زیر نفوذ عقاید خارجی آشکار شده بود. عقیده آفرینش جهان عمل خدا نبوده، بلکه تکامل تدریجی بوده است از ماده ی اولیه بدون صورت یعنی زمان و مکان نامحدود ((زروان)).

تفاوتهای اصلی وعمده میان بدعت زروانی و دین زردشتی عبارتند از:

الف- اعتقاد به وجود مطلق (مکان / زمان بیکران)،

ب- طبیعت زروان،

پ- اعتقاد به او رمزد و اهریمن بعنوان جفت توامان و زروان بعنوان پدر هر دو،

ت- اعتقاد به نه هزار سال فرمانروایی اهریمن،

ث- اعتقاد به تقدیر و ماده گرایی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

نتیجه گیری

همانطور که در بالا و در طول این کار مشاهده کردید به نکات می‌رسیم که: آیین زروانی مذهب یا فرقه ای بدعت آمیز از دین زردشتی که در اواخر دوره هخامنشیان و اوسط دوران ساسانیان پدید آمد و رواج یافت. البته در یزدان شناسی متاخر زرتشتی ((زروان)) ایزد کم اهمیت زمان است که منجر به گذرایی آفرینش می‌شود و از همین جا آشکار می‌شود که انگاره ی چنین ایزدی در زمان زرتشت وجود نداشته و مطرح نبوده است. این مذهب در دوران ساسانیان به اوج سرآمدی و رواج خود رسیده بود و از اینروست که در آیین مانی که یک پایه ی آن بردین زرتشت استوار بود، خداوندگار ((زروان)) نامیده می‌شد. زروانیان در مقابل ثنویت اصیل زرتشتی ((یعنی اعتقاد به وجود ازلی دوپنیا جداگانه و متضاد هستی : اورمزد و اهریمن)) به تثلیث باورمند بودند به این معنی که اورمزد و اهریمن برادرند و پدری به نام زروان (زمان) دارند که او خدایی نامخلوق و ازلی است و اراده ی او فوق همه ی ایزدان و کائنات است. و همچنین زروانیان معتقد به زهد و عزلت‌گزینی و دنیاگریزی و تقدیرگرایی و جبر باوری بودند و این نیز با روح و ماهیت دین زرتشت در تضاد و تباین است. کیهان‌شناسی و اسطوره‌های دینی زروانی ماهیتی بسیار پیچیده و خیالپردازانه دارد. رد پای مذهب زروانی در شماری از متون زرتشتی کاملاً آشکار است، همانند ((گزیده‌های زادسپرم)) و ((مینوی خرد)) و رساله‌ای به نام ((علمای اسلام)) یکسره نمودار عقاید زروانی است. اما بیشترین آگاهی ما از این مذهب حاصل گزارش‌ها و نوشته‌های منتقدانه ی نویسندگان مسیحی است. نکته قابل ملاحظه دیگری که در ضمن مطالعه آیین زروانی به آن می‌توان پی برد این است که در اسطوره‌های پیشینه ی ملل جهان باور بر آن است که عمل قربانی کردن منجر به پیدایش و پویایی هستی می‌شود. گویی که نیرویی در قربانی نهفته است که با رها شدن آن، تحولی در جهت آفرینش‌گری ایجاد می‌شود. و همچنین زروان خدایی دوجنسی بوده چرا که وجود مطلق وی بایسته می‌کرده است که صفت نرینگی و مادینگی را توأمان شامل باشد.

منابع و مأخذ

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

- ۱- آر.سی. زهر ((زروان یا معمای زرتشیگری)) ۱۳۸۸ ترجمه دکتر تیمور قادری، تهران: نشر مهتاب.
- ۲- بویس، مری: ((زردشتیان، باورها و آداب دینی آنها)) ۱۳۸۱، ترجمه عسکر بهرامی، تهران: نشر ققنوس.
- ۳- تفضلی، احمد: ((تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام))، ۱۳۷۶، به کوشش آموزگار، ژاله، تهران: نشر سخن.
- ۴- رایسلت، هانس: ((رهیافتی به گاتها و متون نوآوستائی))، ۱۳۸۳، دوستخواه، جلیل، تهران: نشر ققنوس.
- ۵- جلالی مقدم، مسعود: ((آیین زروانی: مکتب فلسفی - عرفانی زردشتی بر مبنای اصالت زمان)) ۱۳۸۵، تهران: نشر بین الملل.
- ۶- قدیانی، عباس: ((تاریخ ادیان و مذاهب در ایران)) ۱۳۸۷، تهران: نشر فرهنگ مکتوب.
- ۷- صفی زاده، فاروق: ((ادیان ایران باستان)) ۱۳۸۴، تهران: نشر اساطیر.
- ۸- آموزگار، ژاله: ((تاریخ اساطیری ایران)) ۱۳۹۱، تهران: نشر سمت.
- ۹- گیرشمن، رومن ک: ((تاریخ ایران پیش از اسلام))، ۱۳۸۸، ترجمه معین، محمد، تهران: انتشارات علمی - فرهنگی.